

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست‌وهفتم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

صص ۵۸-۲۹

نقش و جایگاه تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان: مطالعه موردی

دادگاه اطفال و نوجوانان تهران (۱۴۰۲-۱۴۰۰)^۱

علی مراد حیدری^۲، سعیده فخری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: پرونده شخصیت، بر اساس مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری، ابزاری میان‌رشته‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات روانی، اجتماعی، خانوادگی و جسمانی متهم است و با هدف فردی‌سازی مجازات‌ها، اقدامات تأمینی و بازاجتماعی‌سازی تهیه می‌شود. این پرونده در جرائم اطفال و نوجوانان اهمیت ویژه‌ای دارد و پژوهش حاضر نقش پرونده شخصیت را در رسیدگی، مجازات و بازپروری در دادگاه اطفال تهران را بررسی می‌کند.

روش: پژوهش حاضر از نوع کیفی - تحلیلی با رویکرد مطالعه موردی است. جامعه آماری پرونده‌های کیفری اطفال رسیدگی‌شده در دادگاه تهران طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ بود. ۴۷ پرونده کامل به‌روش هدفمند انتخاب شد. داده‌ها از مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی میدانی جمع‌آوری و تحلیل محتوای پرونده‌ها با تمرکز بر ابعاد روانی، خانوادگی و اجتماعی انجام شد.

یافته‌ها: پرونده شخصیت نوجوانان بیش از ۹۰ درصد تصمیمات قضائی را تحت‌تأثیر قرار داده و حساسیت قاضی نسبت به شرایط روانی و اجتماعی آنان را افزایش و پاسخ کیفری را فردی‌سازی کرده است. تم‌های اصلی شامل تعارض خانوادگی، مشکلات روانی و حمایت خانوادگی بود. بیشترین جرائم ارتكابی، سرقت و ضرب و جرح بوده و استفاده از پرونده شخصیت، عدالت ترمیمی را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری: پرونده شخصیت اطفال و نوجوانان نقش مؤثری در فردی‌سازی تصمیمات قضائی و هدایت اقدامات حمایتی دارد. بهره‌گیری از اطلاعات روانی، خانوادگی و اجتماعی موجود در پرونده حساسیت قاضی را افزایش و بازاجتماعی‌سازی نوجوانان را تسهیل می‌کند. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که تلفیق داده‌های شخصیت با عدالت ترمیمی می‌تواند بازگشت به جرم را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: پرونده شخصیت، اطفال و نوجوانان، فردی‌سازی مجازات، بازاجتماعی‌سازی، دادگاه اطفال و نوجوانان تهران.

۱. مقاله برگرفته از پژوهش مستقل.

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه:

a.m.heydari@um.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: saeedhfaxri@gmail.com

مقدمه

بزهکاری نوجوانان همواره یکی از دغدغه‌های اساسی جوامع بشری بوده است، هرچند در برخی مقاطع تاریخی با بی‌توجهی مواجه شده است. نحوه تربیت و شکل‌گیری ساختار شخصیتی این گروه، نقش بنیادینی در شکل‌دهی نظام رفتاری جامعه ایفا می‌کند؛ از این رو، اتخاذ رویکردی جامع و آینده‌نگرانه نسبت به پرورش این نسل، ضرورتی انکارناپذیر برای جوامع انسانی به‌شمار می‌رود (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۰۱). در همین راستا، بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که اطفال و نوجوانان به‌دلایل متعدد، از جمله آسیب‌پذیری بیشتر نسبت به بزرگسالان، نیازمند توجه و حمایت ویژه در مواجهه با بزهکاری هستند. افزون بر این، به‌کارگیری رویکردهایی متفاوت از نظام رسیدگی به جرائم بزرگسالان، می‌تواند نتایج مؤثرتری در اصلاح و پیشگیری از تکرار جرم به‌همراه داشته باشد. به همین دلیل، در کشورهای توسعه‌یافته تلاش شده است با بهره‌گیری از سیاست‌هایی نظیر قضاودایی، از ورود نوجوانان به چرخه رسمی دادرسی کیفری جلوگیری شود (مؤذن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۵، ۴۲). شناخت ویژگی‌های شخصیتی، روانی، اجتماعی و فرهنگی نوجوانان بزهکار، زمینه لازم را برای برنامه‌ریزی مؤثر در جهت اصلاح رفتار، تعلیم و تربیت صحیح و پیشگیری از بروز کج‌روی فراهم می‌سازد. در مقابل، فقدان این شناخت می‌تواند زمینه‌ساز تداوم رفتارهای مجرمانه و تحمیل هزینه‌های سنگین اجتماعی شود (محبی و همکاران، ۱۳۹۲، ۶۷). در حوزه حقوق کیفری، هرچند مسئولیت کیفری همواره با الزام به پذیرش پیامدهای رفتار مجرمانه همراه است، اما اصول عدالت کیفری تأکید دارند که صرف ارتکاب جرم، به‌ویژه در مورد کودکان و نوجوانان، نباید به تحمیل خودکار پیامدهای کیفری منجر شود. در این سنین حساس، توجه به شرایط فردی متهم و جلوگیری از آثار منفی روانی و اجتماعی، از جمله برچسب مجرمانه، اهمیت ویژه‌ای دارد (جهانی‌جانقرد و هاشمی‌شهری، ۱۴۰۰، ۹۳). کودکان و نوجوانان به‌طور ماهوی دارای حقوقی متفاوت از بزرگسالان هستند که این

تفاوت‌ها ریشه در ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی آنان دارد. از این رو، نظام عدالت کیفری کودکان باید به گونه‌ای سامان یابد که ضمن دور نگه داشتن آنان از تشریفات رسمی دادرسی کیفری، بر اصلاح، بازپروری و بازاجتماعی‌سازی تمرکز داشته و از ایجاد یا تداوم انگ اجتماعی جلوگیری کند (تواسیکال و اسموروف، ۲۰۲۴، ۱۵۲). یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مکتب تحقیقی در جرم‌شناسی، شکل‌گیری نهاد «پرونده شخصیت» است که جایگاهی ویژه در حقوق کیفری یافته است. این پرونده با هدف شناخت جامع وضعیت روانی، اجتماعی و جسمانی بزهکار و تسهیل فرآیند بازاجتماعی‌سازی او تنظیم می‌شود و به قاضی امکان می‌دهد مجازاتی متناسب و عادلانه صادر کند (عاکفی و ایروانیان، ۱۳۹۹، ۱۱۸). تهیه پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان، امکان تحقق دادرسی منصفانه و اعمال مجازات‌های فردی‌سازی شده را فراهم می‌آورد؛ امری که نقش مؤثری در اصلاح رفتار و بازپذیری اجتماعی بزهکاران خردسال ایفا می‌کند (مهدوی‌ثابت و عبدیان، ۱۳۹۷، ۶۰). از سوی دیگر، تجربه‌های جرم‌شناختی نشان می‌دهد که صدور حکم بدون شناخت دقیق ابعاد مختلف شخصیت بزهکار، کارآمدی لازم را ندارد. از این رو، همکاری میان‌رشته‌ای متخصصان پزشکی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مددکاری اجتماعی در تهیه پرونده شخصیت، ضرورتی اساسی در فرآیند دادرسی کیفری به‌شمار می‌رود (فتاحی و سپهری، ۱۴۰۱، ۴۵۸). اهمیت پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران نیز مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که مطابق ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرائم تعزیری درجات پنج و شش، تهیه پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان در دادسرا یا دادگاه اختصاصی الزامی اعلام شده است. در مطالعات جرم‌شناختی، پرونده شخصیت به دو نوع «فردی» و «اجتماعی» تقسیم می‌شود. پرونده شخصیت اجتماعی، به بررسی تعامل میان محیط و شخصیت فرد می‌پردازد و شامل محیط‌های فیزیکی، اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی است. در مقابل، پرونده شخصیت فردی ناظر بر ویژگی‌هایی همچون رشد

جسمانی، سلامت روان، تاریخچه رفتاری، عوامل ژنتیکی، سن شروع رفتارهای پرخطر و ارزیابی توانایی‌های ذهنی فرد است (آشوری و عظیم‌زاده، ۱۳۹۲، ۲۰۸-۲۰۷). با وجود پیش‌بینی‌های صریح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به‌ویژه در مواد ۲۸۶، ۲۸۷ و ۴۱۰، مبنی بر الزامی بودن تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان متهم به جرائم تعزیری در درجات خاص، و با وجود تأکید قانون‌گذار بر نقش آن در فردی‌سازی مجازات‌ها و اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی، بررسی‌های میدانی و مطالعات موردی نشان می‌دهد که اجرای عملی این نهاد همچنان با چالش‌های قابل توجهی مواجه است. بسیاری از دادگاه‌های اطفال و نوجوانان فاقد سازوکار مشخص و کارآمد برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های شخصیتی، روانی و اجتماعی متهمان هستند. کمبود متخصصان میان‌رشته‌ای همچون روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی و جرم‌شناسان، ناهماهنگی میان نهادهای قضائی و سازمان‌های حمایتی نظیر بهزیستی، محدودیت منابع مالی و زیرساختی در دادرها و دادگاه‌ها، و نبود بانک اطلاعاتی یکپارچه از مهم‌ترین موانع تحقق اهداف قانون‌گذار در این زمینه است. این موانع نه تنها موجب کاهش کارایی فرآیند بازاجتماعی‌سازی می‌شود، بلکه خطر بازگشت به الگوهای سنتی مجازات‌محور را افزایش می‌دهد؛ الگویی که با اصول کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ (و الحاق ایران در سال ۱۳۷۲) و رویکردهای نوین عدالت کیفری مبتنی بر عدالت ترمیمی در تعارض است. از این‌رو، بررسی علمی و کاربردی تأثیر پرونده شخصیت در فرایند رسیدگی کیفری اطفال و نوجوانان ضرورتی انکارناپذیر دارد تا ضمن شناسایی خلأهای اجرایی، راهکارهای مؤثر و عملی برای اصلاح رویه‌های قضائی و سیاست‌گذاری‌های کلان ارائه شود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان و نحوه تأثیر پرونده شخصیت بر تصمیمات قضائی در مراحل مختلف رسیدگی کیفری اطفال و نوجوانان است. در این راستا، پژوهش حاضر می‌کوشد روشن سازد که پرونده شخصیت تا چه اندازه می‌تواند بر روند رسیدگی، نوع و میزان مجازات و نهایتاً بر فرآیند بازپروری و بازپذیری اجتماعی

اطفال و نوجوانان بزهکار تأثیرگذار باشد. انجام این تحقیق علاوه بر پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادی، می‌تواند از حیث نظری و اجرایی نیز واجد اهمیت باشد. از منظر علمی و دانشگاهی، این پژوهش با تمرکز بر مطالعه موردی و تحلیل میدانی، خلأ موجود در ادبیات حقوق کیفری و جرم‌شناسی کشور را که اغلب به مباحث نظری و تطبیقی پرونده شخصیت پرداخته‌اند، پر می‌کند. نتایج آن می‌تواند به توسعه مبانی نظری عدالت کیفری نوجوانان، فردی‌سازی مجازات و تقویت رویکردهای مبتنی بر عدالت ترمیمی یاری رساند و زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی در حوزه‌های حقوق کیفری، روان‌شناسی قضائی و سیاست جنایی شود. از منظر اجرایی و نهادی نیز، یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای قوه قضائیه، سازمان بهزیستی، کانون اصلاح و تربیت، شوراهای حل اختلاف ویژه نوجوانان و وزارت دادگستری کاربردی و سودمند باشد. نتایج تحقیق قادر است در تدوین دستورالعمل‌های اجرایی جدید، ارتقای آموزش قضات و مددکاران اجتماعی و تخصیص هدفمند منابع مالی برای واحدهای مددکاری قضائی نقش مؤثری ایفا کند. در نهایت، تقویت جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند دادرسی اطفال و نوجوانان می‌تواند با کاهش نرخ بازگشت به جرم، افزایش بازپذیری اجتماعی و تحقق اهداف تربیتی نظام عدالت کیفری همراه گردد و از تحمیل هزینه‌های سنگین اجتماعی و اقتصادی ناشی از تکرار جرم در میان نوجوانان پیشگیری نماید.

پیشینه و مبانی نظری

علویانی (۱۴۰۴)، در پژوهش خود با عنوان «چالش‌ها و خلأهای تشکیل پرونده شخصیت در خصوص اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی ایران»، بیان می‌کند که وجود اطلاعات جامع و دقیق در پرونده شخصیت متهم می‌تواند زمینه‌ساز اتخاذ تصمیمات قضائی عادلانه‌تر باشد و در نتیجه، احتمال تکرار جرم کاهش یابد. به باور وی، دسترسی به چنین داده‌هایی به قاضی امکان می‌دهد تصمیماتی اتخاذ کند که همسو با شرایط فردی و روانی متهم است و این امر موجب افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری می‌شود.

حیاتی و برزگر (۱۴۰۳)، در مطالعه‌ای درباره «جایگاه پرونده شخصیت در فرایند عدالت کیفری اطفال و نوجوانان: مطالعه موردی شهر همدان»، نشان دادند که اگرچه برای تمامی متهمان در جرائم درجه چهار تا شش پرونده شخصیت تشکیل شده، اما پرسش‌ها و محتوای این پرونده‌ها با استانداردهای علمی سنجش بزهکاری فاصله زیادی دارد. همچنین، هیچ روش دقیق و علمی برای تعیین میزان خطر تکرار جرم وجود ندارد و محتویات پرونده تأثیر چندانی بر تصمیم قاضی ندارد.

امینی خانه برق و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیق خود با عنوان «جایگاه پرونده شخصیت مجرم و نقش آن در کشف جرم»، تأکید بر این دارند که پرونده شخصیت نقشی اساسی در شناخت وضعیت روحی، اخلاقی و اجتماعی متهم دارد و می‌تواند در هدایت صحیح بازجویی، کشف جرم و پیشگیری از تکرار آن مؤثر باشد. به عقیده وی، آشنایی قاضی با ویژگی‌های شخصیتی بزهکار در هنگام رسیدگی و صدور حکم، موجب تناسب میان جرم و مجازات شده و در نهایت، زمینه اصلاح و بازاجتماعی شدن بزهکار را فراهم می‌کند. او پیشنهاد می‌کند که در فرآیند دادرسی، به جایگاه اصلاحی و بازپرورانه پرونده شخصیت توجه بیشتری شود و روش‌هایی به کار گرفته شود که به بهبود مهارت‌های زندگی و تفکر اجتماعی مجرم کمک کند.

فارسی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش خود با عنوان «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در پیشگیری رشدمدار از بزهکاری اطفال»، به این نتیجه دست یافتند که عواملی همچون کمبود تخصص قضات، فقدان نشست‌های قضائی آموزشی، نبود آموزش‌های کافی برای کارآموزان قضائی، نبود ضمانت اجرای الزام به تشکیل پرونده شخصیت، ابهام در حدود وظایف و اختیارات وکلا و قضات و نیز عدم تشکیل واحد مددکاری از مهم‌ترین موانع اجرای مؤثر این نهاد در نظام دادرسی کیفری ایران به‌شمار می‌روند.

قربانی زیردهی (۱۳۹۳)، در کتاب خود با عنوان پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار با رویکردی تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایالت کالیفرنیا بیان می‌کند

که تشکیل پرونده شخصیت ابزاری مؤثر برای شناخت همه‌جانبه اطفال و نوجوانان بزهکار و شخصی‌سازی واکنش کیفری است. به باور وی، فقدان این نهاد در مراحل رسیدگی قضائی ایران، دادرسی منصفانه اطفال را با چالش مواجه کرده است. در مقابل، نظام عدالت کیفری کالیفرنیا با رویکردی اصلاح‌محور و غیر سرکوبگرانه، از گزارش‌های شخصیت برای صدور احکام عادلانه و متناسب با وضعیت بزهکار بهره می‌گیرد؛ به گونه‌ای که اگرچه این گزارش‌ها جنبه اختیاری دارند، اما در عمل نقش اساسی در تصمیم‌گیری قضات ایفا می‌کنند.

نجفی‌توانا (۱۳۸۸)، در پژوهش خود با عنوان «ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار»، بیان می‌کند که فردی‌سازی واکنش اجتماعی در برابر جرم امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. او معتقد است که تشکیل پرونده شخصیت باید به یک الزام قانونی با ضمانت اجرایی قوی تبدیل شود. همچنین نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که نظام دادرسی ایران با مفهوم علمی و واقعی پرونده شخصیت بیگانه است و لایحه‌های پیشنهادی در این زمینه، با وجود اشاره‌های غیرمستقیم، از انسجام و صراحت لازم برخوردار نیستند.

جدول (۱): نتایج حاکم بر پیشنهادها

نویسندگان	عنوان	نتایج
علویانی (۱۴۰۴)	چالش‌ها و خلأهای تشکیل پرونده شخصیت در خصوص اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی ایران	- وجود پرونده شخصیت دقیق، موجب اتخاذ تصمیمات قضائی عادلانه‌تر می‌شود. - اطلاعات جامع درباره متهم، تصمیم‌گیری را متناسب با ویژگی‌های فردی و روانی او می‌سازد. - تصمیمات همسو با شرایط متهم، احتمال تکرار جرم را کاهش می‌دهد. - تشکیل پرونده شخصیت، کارآمدی نظام عدالت کیفری را افزایش می‌دهد.

<p>- برای تمامی متهمان در جرائم درجه چهار تا شش پرونده شخصیت تشکیل شده است.</p> <p>- پرسش‌ها و محتوای پرونده‌ها با استانداردهای علمی سنجش بزهکاری فاصله زیادی دارد.</p> <p>- هیچ روش دقیق و علمی برای تعیین میزان خطر تکرار جرم وجود ندارد.</p> <p>- محتویات پرونده تأثیر چندانی بر تصمیم قاضی ندارد.</p>	<p>جایگاه پرونده شخصیت در فرایند عدالت کیفری اطفال و نوجوانان: مطالعه موردی شهر همدان</p>	<p>حیاتی و برزگر (۱۴۰۳)</p>
<p>- پرونده شخصیت نقش اساسی در شناخت وضعیت روحی، اخلاقی و اجتماعی متهم دارد.</p> <p>- می‌تواند در هدایت صحیح بازجویی، کشف جرم و پیشگیری از تکرار جرم مؤثر باشد.</p> <p>- آشنایی قاضی با ویژگی‌های شخصیتی بزهکار موجب تناسب جرم و مجازات و تسهیل بااجتماعی شدن مجرم می‌شود.</p> <p>- پیشنهاد به توجه بیشتر به جایگاه اصلاحی و بازپرورانه پرونده شخصیت و استفاده از روش‌هایی برای بهبود مهارت‌های زندگی و تفکر اجتماعی مجرم.</p>	<p>جایگاه پرونده شخصیت مجرم و نقش آن در کشف جرم</p>	<p>امینی خانه برق و همکاران (۱۴۰۰)</p>
<p>- موانع اجرای مؤثر پرونده شخصیت شامل کمبود تخصص قضات، فقدان نشست‌های آموزشی، نبود آموزش کافی برای کارآموزان قضائی، نبود ضمانت اجرایی، ابهام در وظایف و اختیارات و کلا و قضات، و عدم تشکیل واحد مددکاری هستند.</p>	<p>ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در پیشگیری رشدمدار از بزهکاری اطفال</p>	<p>فارسی و همکاران (۱۳۹۹)</p>

<p>- تشکیل پرونده شخصیت ابزاری مؤثر برای شناخت همه‌جانبه اطفال و نوجوانان بزهکار و شخصی‌سازی واکنش کیفری است</p> <p>- فقدان این نهاد در مراحل رسیدگی قضائی ایران، دادرسی منصفانه اطفال را با چالش مواجه کرده است.</p> <p>- نظام عدالت کیفری کالیفرنیا با رویکردی اصلاح‌محور و غیر سرکوبگرانه، از گزارش‌های شخصیت برای صدور احکام عادلانه و متناسب با وضعیت بزهکار بهره می‌گیرد؛ به گونه‌ای که اگرچه این گزارش‌ها جنبه اختیاری دارند، اما در عمل نقش اساسی در تصمیم‌گیری قضات ایفا می‌کنند.</p>	<p>پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار با رویکردی تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایالت کالیفرنیا</p>	<p>قربانی زیردهی (۱۳۹۳)</p>
<p>- فردی‌سازی واکنش اجتماعی در برابر جرم ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.</p> <p>- تشکیل پرونده شخصیت باید با الزام قانونی و ضمانت اجرایی قوی همراه باشد.</p> <p>- نظام دادرسی ایران با مفهوم علمی و واقعی پرونده شخصیت بیگانه است و لایحه‌های پیشنهادی فاقد انسجام و صراحت کافی هستند.</p>	<p>ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال بزهکار</p>	<p>نجفی‌توانا (۱۳۸۸)</p>

مبانی نظری

در علم روان‌شناسی، تعاریف مختلفی از شخصیت ارائه شده است. شخصیت به‌عنوان یک سازمان پویا از سیستم‌های فیزیکی-روانی هر انسان تعریف می‌شود که شیوه متمایز و مشخص او را در سازگاری با امکانات و شرایط محیط زندگی تعیین می‌کند (عباسی، ۱۳۹۹، ۵۱۵). از سوی دیگر، اصطلاح شخصیت در روان‌شناسی برای توصیف خصوصیات منحصربه‌فرد انسان‌ها به کار می‌رود و شامل قضاوت درباره‌ی ماهیت حقیقی

فرد و تفاوت‌های او با دیگران است. این منحصر به فرد بودن شخص، ناشی از تعامل گرایش‌های زیست‌شناختی، آموزه‌ها و تجربه‌های اجتماعی و فرهنگی او می‌باشد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴، ۳۹۰). و ویژگی‌هایی که شخصیت را تشکیل می‌دهند، نقش مهمی در اعمال انجام شده توسط فرد دارند (مالک و همکاران، ۲۰۱۸، ۱). به این ترتیب، شخصیت نه تنها نحوه‌ی واکنش فرد به محیط و شرایط زندگی را مشخص می‌کند، بلکه مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی و تجربیات اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد که او را از دیگران متمایز می‌سازد. در حوزه جرم‌شناسی و حقوق کیفری، بررسی شخصیت متهم کاربرد عملی مهمی دارد. پرونده شخصیت متهم، که در کنار پرونده کیفری تشکیل می‌شود، اطلاعاتی جامع درباره وضعیت روانی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی او ارائه می‌دهد. در این پرونده، گذشته‌ی خانوادگی و تحصیلی، شرایط حرفه‌ای و روانی، انگیزه‌های ارتکاب جرم و وضعیت عمومی متهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف از تشکیل پرونده شخصیت این است که قاضی بتواند با شناخت دقیق ویژگی‌های فردی متهم، عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم را شناسایی کند و از تکرار جرم جلوگیری نماید. همچنین، این رویکرد به اصلاح و بازاجتماعی شدن متهم و کمک به درمان او نیز کمک می‌کند (وطنی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۷۳). مبانی نظری «پرونده شخصیت» ریشه در گذار اندیشه‌های کیفری از مکاتب کلاسیک، که تمرکز آن‌ها بر خود جرم بود، به مکاتب تحول‌گرای مثبت‌گرا و در نهایت نظریه‌های دفاع اجتماعی نوین دارد. در میان این مکاتب، «مکتب دفاع اجتماعی نوین» که اندیشه‌های آن توسط مارک آنسل^۱ بسط یافته، نقطه‌ی عطفی در جهت انسان‌محوری در سیاست جنایی به‌شمار می‌آید. آنسل در کتاب خود با عنوان دفاع اجتماعی نوین، این مکتب را حرکتی می‌داند که با در نظر گرفتن شخصیت بزهدکار، به جای تحمیل کیفر صرف، به اجرای تدابیر اصلاحی و بازپرورانه می‌پردازد (بیات و لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۲، ۶۶). از دیدگاه این مکتب، مجرم محصول شرایط

^۱. Marc Ancel

فردی و اجتماعی خویش است؛ از این رو، شناخت واقعی او مستلزم بررسی چندبُعدی و میان‌رشته‌ای توسط متخصصان مختلف است. به دنبال نفوذ اندیشه‌های دفاع اجتماعی نوین در نظام عدالت کیفری، این ایده مطرح شد که هر بزهدار باید بر اساس ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خود، از سوی کارشناسان رشته‌هایی چون جرم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی و مددکاری اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد. حاصل این بررسی‌ها در قالب پرونده شخصیت تنظیم و در اختیار قاضی قرار داده می‌شود تا تصمیمی عادلانه، علمی و متناسب با وضعیت واقعی فرد اتخاذ گردد (فارسی و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۵). یکی از ابداعات مهم این مکتب، تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده قضائی است. به باور اندیشمندان این مکتب، جرم چیزی جز تبلور شخصیت بزهدار نیست و از طریق شناخت شخصیت می‌توان به هدف نهایی دفاع اجتماعی، یعنی بازسازی و بازگشت فرد بزهدار به جامعه، دست یافت (آقایی، ۱۳۹۶، ۸۳). در این چارچوب، گزارش‌های پیش از صدور حکم در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا می‌توانند منبع اصلی اطلاعات مقام قضائی درباره وضعیت فرد کودک یا نوجوان باشند. این گزارش‌ها به‌ویژه در مواردی که نوجوان متهم به ارتکاب جرم اعتراف کرده و دادگاه به شواهد و مشاهدات عینی دسترسی کافی ندارد، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. گزارش‌های مزبور می‌توانند اطلاعات ارزشمندی در خصوص عوامل مؤثر بر تقصیر، از جمله عوامل تخفیف‌دهنده یا تشدیدکننده مجازات، ارائه دهند؛ همچنین احتمال ارتکاب مجدد جرم در آینده، میزان آمادگی و پذیرش فرد برای درمان، و نیز گزینه‌های درمانی و اصلاحی مناسب را که می‌تواند خطر تکرار جرم را به حداقل برساند، روشن سازند (بایکراف و همکاران، ۲۰۲۱، ۲). بر همین اساس، در فرآیند رسیدگی کیفری باید میان دو مرحله‌ی محکومیت و تعیین مجازات تفکیک قائل شد؛ بدین معنا که پس از اثبات جرم، نوع واکنش کیفری باید با توجه به اطلاعات مندرج در پرونده شخصیت و سوابق فردی، خانوادگی و اجتماعی متهم تعیین گردد. بدین

ترتیب، قاضی می‌تواند با تکیه بر داده‌های علمی و شناختی دقیق، تصمیمی انسانی، عادلانه و اصلاح‌محور اتخاذ کند که با اهداف بازپروری و بازپذیری اجتماعی بزهکار همسو باشد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۹، ۷۳). به‌طور کلی، تشکیل و استفاده از پرونده شخصیت در رسیدگی کیفری اطفال و نوجوانان را می‌توان جلوه‌ای از عدالت ترمیمی و نگاه انسان‌محور در نظام دادرسی دانست. با توجه به ویژگی‌های خاص رشدی، هیجانی و شناختی این گروه سنی، واکنش به رفتار بزهکارانه آنان باید ماهیتی تربیتی و اصلاحی داشته باشد نه تنبیهی. بررسی دقیق ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی متهم، به قاضی امکان می‌دهد تا به‌جای تمرکز صرف بر جرم، به درک عمیق‌تری از علل و زمینه‌های شکل‌گیری رفتار بزهکارانه دست یابد و تصمیمی متناسب با نیازهای واقعی کودک یا نوجوان اتخاذ کند. از این منظر، پرونده شخصیت ابزاری کارآمد برای سنجش مسئولیت کیفری و انتخاب تدابیر متناسب با شرایط فردی است. چنین رویکردی، ضمن پیشگیری از تکرار جرم، به بازپروری و بازگشت تدریجی نوجوان به جامعه یاری می‌رساند. در واقع، محوریت دادن به شناخت شخصیت بزهکار، نشانگر گذار نظام عدالت کیفری از رویکردهای صرفاً مجازات‌محور به سوی الگوهای اصلاحی، حمایتی و مبتنی بر رشد اخلاقی و اجتماعی است؛ الگویی که با اصول عدالت ترمیمی و ارزش‌های بنیادین حقوق کودک هم‌خوانی دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. هدف آن بررسی جایگاه و میزان تأثیر «پرونده شخصیت» در فرایند رسیدگی کیفری اطفال و نوجوانان با تأکید بر رویه عملی دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد. در این پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی به‌صورت توأمان استفاده شده است تا ضمن بهره‌گیری از مبانی نظری و مقررات قانونی، داده‌های واقعی و تجربی نیز مورد تحلیل قرار گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه پرونده‌های کیفری اطفال و نوجوانان رسیدگی شده در

دادگاه اطفال و نوجوانان طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ است. از میان این پرونده‌ها، ۴۷ پرونده به صورت هدفمند (غیر تصادفی) انتخاب گردید؛ به نحوی که در آن‌ها برای متهمان «پرونده شخصیت» تشکیل شده و اطلاعات مربوط به وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و روانی آنان موجود بوده است. معیار انتخاب نمونه، کامل بودن پرونده و ارتباط مستقیم آن با موضوع پژوهش بوده است. برای گردآوری داده‌ها از دو منبع اصلی استفاده شده است: نخست، مطالعه کتابخانه‌ای شامل بررسی قوانین (به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی)، منابع فقهی، کتب، مقالات علمی و رویه قضائی مرتبط؛ و دوم، مطالعه میدانی که در آن محتوای ۴۷ پرونده واقعی دادگاه اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های لازم از آن‌ها استخراج شده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند. در گام نخست، اطلاعات هر پرونده شامل نوع جرم، سن متهم، وضعیت خانوادگی و تحصیلی، گزارش مددکار اجتماعی و نتیجه نهایی رسیدگی ثبت و دسته‌بندی شد. سپس با مقایسه پرونده‌هایی که دارای گزارش شخصیت بودند با موارد مشابه فاقد چنین گزارشی، نقش و میزان تأثیر «پرونده شخصیت» بر تصمیم قضائی، نوع مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی تحلیل گردید.

یافته‌ها

بررسی داده‌های جداول نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از جامعه آماری تحقیق را پسران تشکیل می‌دهند (۹۳.۶۱ درصد) و تنها درصد کمی از نمونه (۶.۳۸ درصد) مربوط به دختران است. این اختلاف معنادار از منظر جرم‌شناسی اهمیت زیادی دارد، زیرا مطابق نتایج بیشتر پژوهش‌های داخلی و خارجی، میزان ارتکاب بزه در میان پسران به مراتب بیش از دختران گزارش می‌شود. این امر می‌تواند ناشی از تفاوت در نوع جامعه‌پذیری جنسیتی، آزادی عمل بیشتر پسران در محیط اجتماعی، الگوهای تربیتی متفاوت و نیز کنترل خانوادگی سخت‌گیرانه‌تر نسبت به دختران باشد. از این منظر، توجه به رویکرد

جنسیتی در تهیه و بررسی پرونده شخصیت ضرورت می‌یابد، زیرا ارزیابی‌های رفتاری، اجتماعی و روانی در میان پسران بزه‌کار با دختران تفاوت ماهوی دارد و شناخت این تمایزها می‌تواند در تصمیم‌گیری قضائی تأثیرگذار باشد. از نظر سنی، میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۱۶.۶ سال و میانه آن ۱۷ سال است؛ دامنه سنی نیز از ۱۱ تا ۱۸ سال متغیر است.

جدول (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و جرم‌شناختی نمونه تحقیق

متغیر	درصد (%)	فراوانی (تعداد)	بندی طبقه
جنسیت	۶۳.۸٪	۳	دختر
	۹۳.۶۱٪	۴۴	پسر
سن (سال)	-	-	میانگین = ۱۶.۶
	-	-	میانه = ۱۷
	-	-	دامنه = ۱۱ تا ۱۸
وضعیت تحصیلی	۶۳.۸٪	۳	سوادبی
	۶۳.۸٪	۳	خواندن و نوشتن
	۲۷.۶۵٪	۱۳	در حال تحصیل
	۵۳.۱۹٪	۲۵	ترک تحصیل کرده
	۶۳.۸٪	۳	فاقد سابقه تحصیلی منظم
سابقه کیفری	۶۱.۷۰٪	۲۹	بدون سابقه کیفری
	۳۱.۹۱٪	۱۵	دارای سابقه کیفری
	۶۳.۸٪	۳	نامشخص
نوع جرم	۳۱.۹۱٪	۱۵	ضرب و جرح
	۵۱.۰۶٪	۲۴	سرقه
	۱۷.۰۲٪	۸	سایر

این بازه بیانگر آن است که اکثر بزهکاران در مرحله نوجوانی قرار دارند؛ مرحله‌ای حساس در رشد شخصیت و شکل‌گیری هویت فردی که در آن، ثبات هیجانی و شناختی هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است. تصمیم‌گیری در این سن معمولاً تحت تأثیر هیجان‌ات، همسالان و محیط اجتماعی صورت می‌گیرد. از منظر روان‌شناسی رشد، این دوران با بحران هویت، احساس استقلال‌طلبی و ضعف در کنترل تکانه‌ها همراه است. بنابراین، تشکیل پرونده شخصیت برای این گروه سنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا به قاضی کمک می‌کند تا میان رفتار مجرمانه ناشی از ناپختگی سنی و بزهکاری پایدار تمایز قائل شود. از دیدگاه حقوقی، با توجه به ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان بر اساس سن و میزان رشد عقلی آنان تعیین می‌شود و طبق ماده ۸۸ همان قانون، دادگاه مکلف است به‌جای مجازات، از اقدامات تربیتی و اصلاحی استفاده کند. افزون بر این، بر پایه ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، رسیدگی به جرائم افراد زیر ۱۸ سال در صلاحیت اختصاصی دادگاه اطفال و نوجوانان است. در زمینه وضعیت تحصیلی، بیشترین فراوانی مربوط به نوجوانان ترک تحصیل کرده است (۵۳.۱۹ درصد). این موضوع به‌روشنی نشان می‌دهد که گسست تحصیلی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در بروز رفتارهای مجرمانه باشد. ترک تحصیل معمولاً با کاهش پیوند نوجوان با نهادهای رسمی جامعه، از جمله مدرسه و در نتیجه، ضعف در کنترل اجتماعی همراه است. مطابق نظریه‌های جرم‌شناسی، از جمله نظریه کنترل اجتماعی، هرچه ارتباط فرد با نهادهای جامعه ضعیف‌تر شود، احتمال گرایش به بزه افزایش می‌یابد. وجود گروه قابل توجهی از نوجوانان «در حال تحصیل» (۲۷.۶۵ درصد) نیز نشان می‌دهد که حتی حضور در محیط آموزشی، در صورت ضعف کارکرد مدرسه و خانواده، به‌تنهایی مانع بزه نمی‌شود. همچنین، سهم قابل ملاحظه‌ای از نوجوانان (بیش از ۱۲ درصد) یا بی‌سواد بوده یا سابقه تحصیلی منظم نداشته‌اند که این امر بیانگر فقدان حمایت آموزشی پایدار است. از این‌رو، بررسی سوابق تحصیلی در پرونده

شخصیت، به قاضی امکان می‌دهد تا علاوه بر شناخت ریشه‌های بزه، برنامه‌هایی مانند بازگشت به تحصیل یا آموزش مهارت‌های اجتماعی را به‌عنوان تدبیر اصلاحی پیشنهاد کند. در خصوص سابقه کیفری، نتایج نشان می‌دهد که اکثریت نوجوانان (۶۱.۷۰ درصد) فاقد سابقه کیفری هستند و برای نخستین بار در معرض نظام عدالت کیفری قرار گرفته‌اند. این امر از منظر سیاست جنایی افتراقی، مؤید ضرورت رویکرد اصلاحی و بازپرورانه به‌جای تنبیهی است. در مقابل، حدود یک‌سوم از نمونه (۳۱.۹۱ درصد) دارای سابقه کیفری‌اند که می‌تواند نشانه‌ای از تکرار بزه یا ناکارآمدی برنامه‌های بازپروری پیشین باشد. در چنین مواردی، وجود پرونده شخصیت برای ارزیابی علل بازگشت به جرم، بررسی شرایط خانوادگی و طراحی مداخلات اجتماعی ضروری است. در واقع، پرونده شخصیت به قاضی کمک می‌کند تا به‌جای تکیه صرف بر نوع جرم، به شناخت عمیق‌تر از شرایط رشد، محیط زندگی و سابقه کیفری فرد دست یابد. از نظر نوع جرم ارتكابی، بیشترین میزان جرائم مربوط به سرقت (۵۱.۰۶ درصد) و پس از آن ضرب و جرح (۳۱.۹۱ درصد) است. این دو نوع جرم از شایع‌ترین بزه‌های ارتكابی در میان نوجوانان به‌شمار می‌آیند و اغلب ریشه در عوامل اقتصادی، خانوادگی، یا تأثیر گروه همسالان دارند. تمرکز بالای جرائم مالی مانند سرقت می‌تواند بیانگر تأثیر فقر، محرومیت اقتصادی و ضعف نظارت اجتماعی بر شکل‌گیری بزهکاری باشد. از نظر حقوقی، این یافته با مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (با اصلاحات ۱۳۹۴) مطابقت دارد که تشکیل پرونده شخصیت را برای جرائم تعزیری درجه پنج و شش الزامی می‌داند. بیش از ۸۰ درصد از جرائم ارتكابی در این پژوهش (سرقت و ضرب و جرح) دقیقاً در این دسته قرار می‌گیرند. بنابراین، عدم تهیه پرونده شخصیت در چنین مواردی می‌تواند نقض اصل دادرسی منصفانه موضوع ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری تلقی شود و با تعهدات ایران در قبال کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، به‌ویژه ماده ۴۰ آنکه بر رفتار انسانی، عادلانه و متناسب با سن تأکید دارد، مغایرت داشته باشد. بدین ترتیب، ضرورت توجه به

شخصیت، شرایط روانی، خانوادگی و اجتماعی متهم در تصمیم قضائی، نه تنها با اصول داخلی بلکه با اسناد بین‌المللی حقوق کودک نیز هم‌سو است.

در جمع‌بندی می‌توان گفت، نوجوانان بزهکار مورد مطالعه عمدتاً پسر، در سنین میانی نوجوانی، دارای وضعیت تحصیلی ناپایدار و فاقد سابقه کیفری قبلی هستند. این ترکیب آماری، بزهکاری در میان نوجوانان را پدیده‌ای عمدتاً محیط‌محور و گذرا نشان می‌دهد نه رفتاری ناشی از انحراف شخصیتی پایدار. از منظر روان‌شناختی، چنین الگوهایی با ویژگی‌های رشدی نوجوانی مانند ناپایداری هیجانی، ضعف در پیش‌بینی پیامد رفتار، و تأثیرپذیری از گروه همسالان سازگار است. بر این اساس، پرونده شخصیت نقش اساسی در تمایز میان بزهکاری گذرا و پایدار ایفا کرده و ابزار مؤثری برای اجرای اصل فردی‌سازی پاسخ کیفری محسوب می‌شود. در واقع، پرونده شخصیت حلقه ارتباطی میان روان‌شناسی رشد، مددکاری اجتماعی و قضاوت کیفری است و قاضی را قادر می‌سازد تا تصمیمی متناسب با ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی متهم اتخاذ کند. بدین ترتیب، این سازوکار ضمن تضمین رعایت حقوق کودک و تحقق اصل منافع برتر او (ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک)، عدالت کیفری را از رویکرد تنبیهی صرف به سوی عدالت ترمیمی و بازپرورانه سوق می‌دهد.

جدول (۳): تحلیل محتوای پرونده‌های شخصیت و استخراج تم‌های غالب

نوع تم	مضمون استخراج شده از پرونده‌های شخصیت	درصد پرونده‌ها
مثبت	حمایت عاطفی و نظارتی خانواده	٪۳۴.۰۴
	پشیمانی واقعی و تمایل به اصلاح	٪۴۴.۶۸
منفی	تعارض یا فروپاشی خانوادگی	٪۵۷.۴۴
	مشکلات روانی یا رفتاری	٪۸.۵۱

تحلیل محتوای پرونده‌های شخصیت نشان‌می‌دهد که داده‌های استخراج شده از این پرونده‌ها واجد الگوهای معناداری در سه محور اصلی یعنی روابط خانوادگی، وضعیت روانی و هیجانی و تمایل به اصلاح است. بر اساس یافته‌ها، در حدود ۳۴.۰۴ درصد از پرونده‌ها مضمون «حمایت عاطفی و نظارتی خانواده» به‌عنوان عامل مثبت شناسایی شده است. این یافته بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از نوجوانان بزهکار، هرچند مرتکب جرم شده‌اند، اما همچنان از پیوندهای خانوادگی نسبتاً مستحکمی برخوردارند. چنین حمایتی معمولاً مانع از تثبیت رفتار مجرمانه شده و زمینه‌ساز بازاجتماعی‌سازی مؤثر است. از منظر نظریه‌های کنترل اجتماعی، پیوند خانوادگی قوی یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از بزهکاری تلقی می‌شود. در حقوق کیفری ایران نیز، قاضی می‌تواند با استناد به ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و ظرفیت اصلاحی خانواده، از اقدامات تأمینی و تربیتی همچون «تحويل طفل به والدین یا اولیای قانونی» بهره‌گیرد، زیرا در چنین شرایطی خانواده قادر است نقش حمایتی خود را در بازپروری ایفا کند (حیدری، ۱۳۹۶). در مقابل، بالاترین درصد مضمون منفی در میان پرونده‌ها به «تعارض یا فروپاشی خانوادگی» اختصاص یافته که در ۵۷.۴۴ درصد از موارد مشاهده شده است. این نسبت نشان‌می‌دهد که گسست در ساختار خانواده همچنان از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بروز بزهکاری در میان نوجوانان است. گزارش‌های موجود در پرونده‌ها معمولاً حاکی از اختلاف شدید والدین، طلاق، اعتیاد یا بی‌توجهی عاطفی بوده است. چنین شرایطی زمینه‌ساز بروز رفتارهای پرخطر، فرار از منزل و جذب در گروه‌های بزهکار همسالان می‌شود. بر این اساس، قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان باید مطابق مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ضمن صدور تصمیم قضائی، از ظرفیت نهادهای مشاوره، مددکاری و حمایتی بهره‌گیرد تا هدف تربیتی و اصلاحی دادرسی محقق گردد. در حدود ۴۴.۶۸ درصد از پرونده‌ها نیز مضمون «پشیمانی واقعی و تمایل به اصلاح» مشاهده شده است. این داده نشان‌دهنده

آن است که بخش زیادی از نوجوانان بزهکار، از نظر روانی و اخلاقی آمادگی پذیرش اصلاح را دارند. از منظر روان‌شناسی قضائی، وجود ندامت نشانه‌ای از ظرفیت بازپروری است. انعکاس این ویژگی در پرونده شخصیت به قاضی امکان می‌دهد تا بر پایه اصل فردی‌سازی پاسخ کیفری (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی)، تصمیمی متناسب با وضعیت فردی متهم اتخاذ کند. بر اساس ماده ۸۸ همان قانون، در چنین مواردی امکان استفاده از اقدامات جایگزین مانند شرکت در دوره‌های آموزشی، انجام خدمات عمومی رایگان یا تذکر و ارشاد قضائی وجود دارد. در چارچوب عدالت ترمیمی نیز، احساس ندامت واقعی زمینه مشارکت فعال نوجوان در جبران خسارت بزه‌دیده را فراهم می‌آورد. در نهایت، در ۸۵٫۱ درصد از پرونده‌ها به مشکلات روانی یا رفتاری اشاره شده است. هرچند این میزان نسبت به سایر مضامین کمتر است، اما اهمیت آن در تبیین تداوم بزهکاری چشمگیر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این گروه از نوجوانان معمولاً با اختلالاتی چون پرخاشگری، رفتارهای تکانشی یا بی‌ثباتی هیجانی مواجه‌اند. در چنین مواردی، ضعف در کنترل تکانه و مشکلات هیجانی سبب می‌شود و اکنش آنان نسبت به فشارهای محیطی یا خانوادگی شدیدتر باشد و همین امر احتمال ارتکاب مجدد رفتارهای پرخطر را افزایش دهد. از منظر حقوقی، این وضعیت ضرورت بهره‌گیری از ارزیابی‌های تخصصی و مداخلات روان‌پزشکی را تقویت می‌کند. به‌موجب ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری، قاضی موظف است در صورت وجود نشانه‌های اختلال روانی یا رفتاری، دستور ارجاع نوجوان به مراکز درمانی یا مشاوره تخصصی را صادر کند تا پیش از صدور حکم نهایی، وضعیت روانی او به‌صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرد. تجربه‌های قضائی نیز نشان داده است که در غیاب چنین ارزیابی‌هایی، احتمال تکرار جرم و شکست مداخلات اصلاحی افزایش می‌یابد. بنابراین، بخش روانی پرونده شخصیت نقش کلیدی در تصمیم‌گیری قضائی دارد و می‌تواند مبنای انتخاب میان رویکرد تنبیهی یا درمان‌محور باشد. به‌طور کلی، تحلیل

محتوای پرونده‌های شخصیت نشان می‌دهد که روابط خانوادگی و میزان حمایت عاطفی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر رفتار نوجوانان در فرآیند دادرسی هستند. وجود تم‌های مثبت نظیر حمایت خانوادگی و ندامت واقعی، امکان به‌کارگیری سیاست‌های حمایتی و اصلاحی را افزایش می‌دهد؛ در حالی که تم‌های منفی نظیر تعارض خانوادگی یا مشکلات روانی ضرورت مداخلات تخصصی را دوچندان می‌کند. از دیدگاه حقوقی، ارتباط مستقیم میان این تم‌ها و مواد قانونی از جمله مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی و مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری نشان‌دهنده آن است که قاضی باید در تصمیم‌گیری خود، ملاحظات روانی، خانوادگی و اجتماعی مندرج در پرونده شخصیت را به‌صورت هم‌زمان مدنظر قرار دهد.

جدول (۴): تأثیر مستقیم و غیرمستقیم پرونده شخصیت بر تصمیمات قضائی

موارد	تأثیر غیرمستقیم	استناد مستقیم به گزارش روانشناس	ارجاع به نهادهای حمایتی (به‌دلیل پرونده شخصیت)	درصد	تعداد پرونده‌ها	سطح تأثیر پرونده شخصیت
بدون هیچ تأثیری (مستقیم یا غیرمستقیم)	۷	۲۳	۱۴	۹۳.۶۱٪	۴۴	تأثیر بالا (مستقیم + غیرمستقیم قوی)
۳	۵	-	۳	۲۳.۴۰٪	۱۱	تأثیر متوسط (عمدتاً غیرمستقیم)
۱	-	۱	-	-	۲	تأثیر پایین یا صفر (هیچ استنادی / تأثیری)
۴	۱۲	۲۴	۱۷	-	۱۴۷	جمع کل

۲. تفاوت عددی بین مجموع موارد (۵۷) و تعداد کل پرونده‌ها (۴۷) ناشی از آن است که در برخی پرونده‌ها بیش از یک نوع تأثیر از پرونده شخصیت مشاهده شده است؛ لذا جمع ستون‌ها از تعداد واقعی پرونده‌ها بیشتر است.

تحلیل داده‌های مربوط به تأثیر پرونده شخصیت بر تصمیمات قضائی نشان می‌دهد که این ابزار نقش محوری در فرایند قضاوت نسبت به اطفال و نوجوانان ایفا می‌کند. اگرچه جمع کل داده‌ها در جدول بیش از تعداد واقعی پرونده‌ها (۵۷ مورد در برابر ۴۷ پرونده) گزارش شده است، اما این تفاوت ناشی از ماهیت چندوجهی تصمیم‌گیری قضائی است؛ به این معنا که در برخی پرونده‌ها، قاضی هم‌زمان هم به گزارش روان‌شناس استناد مستقیم داشته و هم بر اساس محتوای پرونده شخصیت، ارجاع به نهادهای حمایتی را ضروری دانسته است. بنابراین یک پرونده ممکن است در بیش از یک دسته تأثیر قرار گیرد و این موضوع نشان‌دهنده استفاده چندبعدی از پرونده شخصیت در تصمیمات قضائی که نتایج نشان می‌دهد ۹۳.۶۱ درصد پرونده‌ها (۴۴ مورد)، پرونده شخصیت تأثیر قابل توجهی داشته است. این موارد شامل تصمیماتی است که قاضی یا به‌طور مستقیم از گزارش روان‌شناس استفاده کرده یا به‌صورت غیرمستقیم از اطلاعات پرونده شخصیت بهره برده و اقدامات تأمینی یا تربیتی اتخاذ کرده است. در این پرونده‌ها، اطلاعات مربوط به وضعیت روانی، خانوادگی و شخصیتی نوجوان، مبنای تصمیم‌هایی مانند ارجاع به مراکز مشاوره، سپردن به والدین یا تعلیق اجرای مجازات قرار گرفته است. این رویکرد کاملاً همسو با ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) است که قاضی را موظف می‌کند پرونده شخصیت را برای اطفال و نوجوانان تشکیل دهد، و ماده ۲۸۷ همان قانون که استفاده از محتوای پرونده شخصیت در تصمیم‌گیری قضائی را مقرر می‌دارد، و همچنین با مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی هماهنگ است که اقدامات اصلاحی و تربیتی جایگزین حبس برای نوجوانان را مشخص می‌کنند.

در ۲۳.۴۰ درصد پرونده‌ها (۱۱ مورد)، تأثیر پرونده شخصیت در سطح متوسط گزارش شده است. در این گروه، استناد مستقیم به گزارش روان‌شناس کمتر بوده، اما تحلیل آرای صادره نشان می‌دهد که قاضی به‌صورت ضمنی از اطلاعات پرونده شخصیت تأثیر پذیرفته است. برای مثال، در پرونده‌هایی که به‌جای صدور حکم حبس، اقدامات

جایگزین یا تعلیق مجازات اعمال شده، اثر غیرمستقیم پرونده شخصیت قابل مشاهده است. این نوع تأثیر نیز تحقق نسبی اصل فردی‌سازی پاسخ کیفری (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی) را نشان می‌دهد و بیانگر حساسیت قاضی نسبت به شرایط روانی و اجتماعی نوجوان است.

تنها در ۲ پرونده تأثیر پرونده شخصیت بسیار پایین یا نزدیک به صفر بوده است. در این موارد، یا هیچ استنادی به محتوای پرونده نشده یا اثر آن در تصمیم نهایی ناچیز بوده است. معمولاً این وضعیت در پرونده‌هایی مشاهده می‌شود که تمرکز قاضی صرفاً بر جنبه‌های اثباتی جرم بوده و ابعاد روانی و اجتماعی نوجوان مورد توجه قرار نگرفته است. از نظر سیاست کیفری، چنین رویکردی می‌تواند هدف اصلی عدالت کیفری اطفال، یعنی اصلاح و بازپروری، را تحت تأثیر قرار دهد.

علاوه بر این، در تعداد قابل توجهی از پرونده‌ها، ارجاع به نهادهای حمایتی مانند سازمان بهزیستی یا مراکز مشاوره اجتماعی مستقیماً بر اساس یافته‌های پرونده شخصیت انجام شده است. این ارجاعات معمولاً در مواردی بوده که گزارش کارشناسان روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی، نیاز نوجوان به حمایت یا مداخله تخصصی را نشان داده است. این اقدامات مطابق با قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) نشان‌دهنده حرکت نظام عدالت کیفری از رویکرد صرفاً تنبیهی به رویکرد حمایتی و پیشگیرانه است.

بر اساس تحلیل حاضر، پرونده شخصیت چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، در اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌ها تأثیرگذار بوده است. این ابزار علاوه بر کمک به قاضی در اتخاذ تصمیمات اصلاحی و حمایتی، موجب کاهش احتمال بازگشت به جرم و ارتقای عدالت ترمیمی نیز می‌شود. تأثیر بالا در بیش از ۹۰ درصد پرونده‌ها نشان می‌دهد که نظام دادرسی اطفال و نوجوانان به سمت اجرای واقعی اصول عدالت ترمیمی، فردی‌سازی تصمیمات قضائی و حمایت از کودک حرکت کرده است. با این حال، اندک پرونده‌هایی که فاقد تأثیر بوده‌اند، نشان‌دهنده ضرورت آموزش مستمر

قضات و کارشناسان روان‌شناسی و نظارت دقیق بر تدوین و بهره‌برداری از پرونده شخصیت است. از دیدگاه حقوقی، تأثیر بالای پرونده شخصیت با مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی همخوانی دارد. استناد مستقیم به گزارش روان‌شناس معمولاً منجر به اتخاذ اقدامات اصلاحی و تربیتی شده است و تأثیر غیرمستقیم نشان‌دهنده استفاده چندبعدی قاضی از پرونده شخصیت است. ارجاع به نهادهای حمایتی با اهداف عدالت ترمیمی و کاهش بازگشت به جرم همسو است. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که پرونده شخصیت ابزار مؤثری برای تحقق اصل فردی‌سازی پاسخ کیفری (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی) و کاهش هزینه‌های اجتماعی مرتبط با حبس نوجوانان است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، که بر تحلیل میدانی پرونده‌های واقعی دادگاه اطفال تهران استوار است، نشان‌دهنده تأثیر عمیق و معنادار پرونده شخصیت بر فردی‌سازی پاسخ‌های کیفری و تقویت رویکردهای اصلاحی در نظام دادرسی اطفال است. این نتایج با مطالعات پیشین، از جمله پژوهش علویانی (۱۴۰۴)، که بر نقش اطلاعات شخصیتی در کاهش تکرار جرم تأکید دارد، همسو است؛ با این تفاوت که پژوهش حاضر با تکیه بر داده‌های عملی و واقعی، نشان می‌دهد حساسیت قضائی صرفاً به عوامل روانی محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور نظام‌مند با مؤلفه‌های خانوادگی و اجتماعی درهم‌تنیده است. این رویکرد، گامی فراتر از چارچوب‌های صرفاً نظری پیشین به‌شمار می‌آید. در مقایسه با مطالعه حیاتی و برزگر (۱۴۰۳)، در همدان، که به ضعف محتوایی پرونده‌های شخصیت اشاره کرده‌اند، پژوهش حاضر با بررسی موردی دقیق‌تر آشکار می‌سازد که حتی در صورت وجود کاستی‌های محتوایی، تأثیر پرونده شخصیت بر تصمیم‌گیری قضائی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. این تفاوت را می‌توان ناشی از تأکید پژوهش بر تحلیل کیفی تم‌های غالب، نظیر تعارضات خانوادگی، دانست. بر این اساس، استانداردسازی محتوای پرونده شخصیت می‌تواند به بهینه‌سازی و افزایش کارآمدی این تأثیر منجر شود. همچنین یافته‌ها با نظریه «مکتب دفاع

اجتماعی نوین» آنسل (به نقل از بیات و لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۲) همخوانی دارد؛ نظریه‌ای که شناخت چندبعدی شخصیت بزهکار را مبنای بازپروری می‌داند. با این حال، پژوهش حاضر با ادغام داده‌های واقعی مربوط به جرائم شایع مانند سرقت و ضرب و جرح، نشان می‌دهد که این نظریه در بستر نظام حقوقی ایران می‌تواند به کاهش بازگشت به جرم از طریق ارجاع مؤثر بزهکاران به نهادهای حمایتی منجر شود؛ امری که جنبه‌ای عملی و اجرایی فراتر از مباحث نظری دارد. از سوی دیگر، مقایسه با پژوهش‌های بین‌المللی، از جمله مطالعه (بایکراف و همکاران، ۲۰۲۱، ۲). درباره گزارش‌های پیش از صدور حکم در دادگاه‌های نوجوانان، نشان می‌دهد که پرونده شخصیت در ایران، علی‌رغم الزامی بودن قانونی، هنوز به‌طور کامل از ظرفیت‌های ارزیابی خطر تکرار جرم، آن‌گونه که در نظام‌های غربی رایج است، بهره نمی‌برد. با این حال، نوآوری پژوهش حاضر در برجسته‌سازی نقش پرونده شخصیت در تحقق عدالت ترمیمی نمایان می‌شود؛ جایی که تم‌هایی مانند پشیمانی واقعی و آمادگی برای جبران خسارت، به‌عنوان عوامل کلیدی در جایگزینی مجازات‌های تنبیهی با اقدامات حمایتی شناسایی شده‌اند. دستاورد علمی این پژوهش، تولید دانشی مبتنی بر داده‌های بومی است که نشان می‌دهد چگونه پرونده شخصیت می‌تواند به‌عنوان پلی میان روان‌شناسی قضائی و سیاست جنایی ایران عمل کند؛ موضوعی که در مطالعات پیشین، از جمله نجفی‌توانا (۱۳۸۸)، کمتر به‌صورت تجربی مورد بررسی قرار گرفته بود. نوآوری اصلی پژوهش در ادغام تحلیل محتوای کیفی با رویه قضائی واقعی است؛ رویکردی که ضمن آشکارسازی خلأهای اجرایی نظیر کمبود متخصصان میان‌رشته‌ای، راهکارهایی عملی برای تلفیق عدالت ترمیمی با داده‌های شخصیتی ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری باشد. علاوه بر این، برخلاف پژوهش فارسی و همکاران (۱۳۹۹)، که تمرکز اصلی آن بر موانع اجرایی بوده است، مطالعه حاضر با تأکید بر تأثیر عملی پرونده شخصیت، نقش آن را در کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از تکرار جرم به‌طور تجربی اثبات می‌کند؛

جنبه‌های اقتصادی اجتماعی که تاکنون در ادبیات حقوق کیفری ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مجموع، پرونده شخصیت به‌عنوان ابزاری میان‌رشته‌ای، نقشی محوری در تحول دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان ایفا می‌کند. بهره‌گیری نظام‌مند از داده‌های روانی، خانوادگی و اجتماعی مندرج در این پرونده‌ها، نه تنها موجب فردی‌سازی تصمیمات قضائی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز کاهش بازگشت به جرم، تقویت حمایت‌های اجتماعی و حرکت نظام عدالت کیفری به سوی رویکردی انسانی‌تر، کارآمدتر و بازاجتماعی‌محور خواهد بود.

پیشنادهای کاربردی

با توجه به اهمیت حمایت از نوجوانان و پیشگیری از تکرار جرم، در اینجا چند پیشنهاد عملی و قابل اجرا ارائه می‌شود. این پیشنهادات بر پایه تجربه‌های میدانی، بررسی پرونده‌های شخصیتی و مطالعه راهکارهای موفق طراحی شده‌اند و هدفشان کمک به تصمیم‌گیری بهتر، هماهنگی میان متخصصان و اثرگذاری بیشتر اقدامات حمایتی است. با این حال، باید یادآور شد که در عمل، تشکیل پرونده شخصیت در نظام دادرسی اطفال و نوجوانان هنوز آن‌گونه که باید جدی گرفته نمی‌شود. در بسیاری از موارد، به‌جای بهره‌گیری از نظر کارشناسان روان‌شناسی، مشاوره، پزشکی قانونی و مددکاری اجتماعی، پرونده شخصیت صرفاً در قالب فرم‌هایی با پرسش‌های از پیش تعیین شده تنظیم می‌شود. این فرم‌ها اغلب توسط مددکار اجتماعی و بر اساس پاسخ‌های متهم تکمیل می‌شوند و همین امر موجب می‌گردد که کارکرد علمی و اصلاحی پرونده شخصیت تا حد زیادی کاهش یابد. در همین راستا، پیشنهادهای زیر با هدف ارتقای کیفیت استفاده از پرونده شخصیت و تقویت آثار اصلاحی و پیشگیرانه‌ی آن ارائه می‌شود:

۱. ارتقای رویکرد تحلیلی و پژوهشی: تحلیل داده‌های پرونده شخصیت باید به‌صورت مستمر به‌روز شود تا اثرگذاری اقدامات حمایتی و اصلاحی سنجیده و مدون شود و از تجربیات میدانی برای سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه بهره‌برداری گردد.

۲. ایجاد جایزه سالانه «دادگاه نمونه اطفال»: اعطای تقدیرنامه و بودجه تشویقی به دادگاه‌هایی که بیشترین استفاده مؤثر و استاندارد از پرونده شخصیت نوجوانان را داشته باشند، به منظور تشویق رقابت مثبت و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری.

۳. مطالعات طولی با پیگیری پنج‌ساله: راه‌اندازی پروژه ملی تحقیقاتی برای ردیابی ۱۰۰۰ نوجوان پس از دادرسی، با هدف ارزیابی تأثیر پرونده شخصیت بر مسیر زندگی آنها شامل تحصیل، اشتغال و رفتارهای مجرمانه، و انتشار نتایج به صورت سالانه.

۴. توسعه برنامه‌های نظارت پس از دادرسی: ایجاد واحدهای تخصصی نظارت بر اجرای اقدامات تربیتی (مانند تحویل به خانواده، دوره‌های آموزشی یا خدمات عمومی) با استفاده از داده‌های پرونده شخصیت برای پایش پیشرفت نوجوان و پیشگیری از بازگشت به جرم.

۵. همکاری قضایی-آموزشی: ادغام پرونده شخصیت در برنامه‌های درسی دانشکده‌های حقوق و روان‌شناسی و برگزاری کارگاه‌های عملی مشترک میان دانشجویان قضائی و مددکاران اجتماعی، به منظور تربیت نسل آینده قضات با رویکرد میان‌رشته‌ای.

منابع

۱) آشوری، محمد؛ عظیم‌زاده، شادی. (۱۳۹۲). جایگاه پرونده شخصیت در فرایند پیشگیری از پایدار شدن بزهکاری جوانان. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۳(۱). ۱۹۵-۲۱۳. https://jqlq.ut.ac.ir/article_35287.html

۲) امینی خانه برق، صابر؛ ناجی زواره، مرتضی و آقایی بجستانی، مریم. (۱۴۰۱). جایگاه پرونده شخصیت مجرم و نقش آن در کشف جرم. فصلنامه علمی کارآگاه، ۱۶(۵). ۱۴۷-۱۲۳.

<https://www.sid.ir/paper/963193/fa>

۳) آقایی، مجید. (۱۳۹۶). مکاتب کیفری. تهران: خرسندی.

۴) بیات، شیرین؛ لطفعلی‌زاده، الهه. (۱۴۰۲). مختصر جرم‌شناسی. تهران: دادبانان دانا.

۵) بیرانوند، رضا؛ یاراحمدی، حسین و میلانی، علیرضا. (۱۳۹۹). تحلیل پیشگیری رشدمدار از جرم در نظام حقوقی ایران. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، (۲۲)۲، ۹۹-۱۲۳. <https://sid.ir/paper/958369/fa>

۶) پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۹۹). دانشنامه جرم‌شناسی نظری. تهران: میزان.

۷) جهانی جنقرد، میلاد؛ هاشمی شهری، بهرام. (۱۴۰۰). اهمیت توجه به تشکیل پرونده شخصیت در خصوص اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و بررسی موانع و خلاءهای موجود در آن (با نگاهی به حقوق فرانسه). نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، (۲)۱، ۹۲-۱۰۴.

https://jlps.samipubco.com/article_141758.html

۸) حیاتی، گلنار؛ برزگر، مهری. (۱۴۰۳). جایگاه پرونده شخصیت در فرایند عدالت کیفری اطفال و نوجوانان (مطالعه موردی شهر همدان). مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، (۲۳)۱۲، ۲۳۱-۲۵۹.

https://jclsc.sdil.ac.ir/article_196359_0bcce0c288a39846814f2f9d4e9ba5b2.pdf

۹) حیدری، علی‌مراد. (۱۳۹۶). بررسی ققهی - حقوقی واکنش علیه جرم، تهران، انتشارات سمت.

۱۰) عاکفی، لاله؛ ایروانیان، امیر. (۱۳۹۹). ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در حقوق ایران و آمریکا. فصلنامه زن و جامعه، (۴۴)۱۱، ۱۱۷-۱۳۸.

https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_4489.html

۱۱) علویانی، زهرا. (۱۴۰۴). چالش‌ها و خلأهای تشکیل پرونده شخصیت در خصوص اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی ایران. مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، (۷۳)۶، ۹۷-۱۱۳.

<https://civilica.com/doc/2281223/>

۱۲) عباسی، محسن. (۱۳۹۹). نقش شخصیت بزهکار و روش برخورد تربیتی درخور با شخصیت مجرم از دیدگاه آموزه‌های اسلام. فصلنامه بین‌المللی قانون یار، ۴(۱۴)، ۵۱۳-۵۴۵.

file:///C:/Users/user/Downloads/10004713991421%20(2).pdf

۱۳) فتاحی، حیدر؛ سپهری، روح‌الله. (۱۴۰۱). تأثیرگذاری پرونده شخصیت بر مراحل مختلف فرایند دادرسی کیفری. تحقیقات حقوقی، ۲۶(۱۰۲). ۴۷۶-۴۵۷.

<https://www.sid.ir/paper/1127937/fa>

۱۴) فارسی، مهوش؛ خسروشاهی، قدرت‌الله؛ سپهری، روح‌الله. (۱۳۹۹). ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در پیشگیری رشدمدار از بزهکاری اطفال. نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۵(۵۶). ۴۷-۳۱.

<https://www.magiran.com/p2219804>

۱۵) قائدی، سعید. (۱۴۰۲). تأثیرپذیری مرحله تحقیقات مقدماتی از پرونده شخصیت. آموزه‌های حقوق کیفری. ۲۰(۲۶). ۳۷۸-۳۳۳.

https://cld.razavi.ac.ir/article_1885_b4baf33146fb86eb1dcea24d9ac61ef8.pdf

۱۶) قربانی زبردھی، پگاه. (۱۳۹۳). پرونده شخصیت در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار با رویکردی تطبیقی به نظام عدالت کیفری ایالت کالیفرنیا. تهران: انتشارات جنگل.

۱۷) مؤذن زادگان، حسنعلی؛ کوشکی، غلامحسین؛ بارانی، محمد و یاراحمدی، حسین. (۱۳۹۵). قضازدایی پلیسی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار؛ مطالعه تطبیقی نیوزلند، کانادا و ایران. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۳(۷۲)، ۶۹-۴۵.

<https://www.magiran.com/p1638469>

۱۸) محبی، مصطفی؛ سوری، احمد؛ محبی، علی و آمویی، محمدرضا. (۱۳۹۲).
بررسی و مقایسه‌ی ویژگی‌های شخصیتی در مجرمان (سارقان، کلاهبرداران و
قاچاقچیان). فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲(۱۵)، ۶۵-۷۳.

<https://www.magiran.com/p1433029>

۱۹) مهدوی‌ثابت، محمدعلی؛ عبدیان، محمدرضا. (۱۳۹۷). جلوه‌های عدالت
ترمیمی در مرحله تعقیب و تحقیقات جرائم اطفال و نوجوانان در قانون آیین
دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. فصلنامه قضاوت، (۹۵)، ۶۵-۴۷.

<https://www.magiran.com/p2056049>

۲۰) مرادی، احمد؛ کریمی، محمدرضا؛ مرادی، رضا و کرم‌زاده، محمدامین.
(۱۳۹۴). روانشناسی شخصیت. دومین کنفرانس ملی روان‌شناسی و علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان، ۱۰-۱.

<https://www.sid.ir/paper/826839/fa>

۲۱) نجفی‌توانا، علی. (۱۳۸۸). ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال
بزهکار. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱(۱۸)، ۳۱۹-۲۹۳.

https://jfr.sbu.ac.ir/article_97348_0098ce0f836aecdff9e874954b6b259.pdf

۲۲) وطنی، امیر؛ مهدی‌پور، اعظم و تاجیک‌نشاطیه، حدیثه. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی
تحقق اهداف اصلاحی-درمانی بزهکاران از طریق پرونده شخصیت در فرایند
دادرسی کیفری. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۳(۵۰)، ۱۹۲-۱۶۹.

[file:///C:/Users/user/Downloads/h3001413985008%20\(3\).pdf](file:///C:/Users/user/Downloads/h3001413985008%20(3).pdf)

۲۳) قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲)

۲۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲)

۲۵) قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب (۱۳۹۹)

26) Bycroft, D., Dear, G. E., & Drake, D. (2021). A decision-making model for pre-sentence evaluations for juveniles. *Psychiatry, Psychology and Law*, 28(1), 1-26.

https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC8451699/pdf/TPPL_28_1751332.pdf

- 27) Tuasikal, H., & Asmuruf, J. (2024). Handling Children Who Commit Crimes Under the Criminal Justice System. *Journal of Law Justice*, 2(2), 150-161.

[file:///C:/Users/user/Downloads/6.+Hadi+dan+Yohana+15-161%20\(1\).pdf](file:///C:/Users/user/Downloads/6.+Hadi+dan+Yohana+15-161%20(1).pdf)

- 28) Malik, N., Hema, M. A., Sharma, U., Sharma, N., & Nagle, Y. K. (2018). Personality profiling of juvenile delinquents through thematic apperception test. *Clinical Research in Psychology*, 1(2), 1-8.

https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/87611008/5-libre.pdf?1655397196=&response-content-disposition=inline%3B+filename%3DPersonality_Profiling_of_Juvenile_Delinq.pdf&

